**( 187 )**

**هو الابهی**

ای متوجه بوجه الله یکی از احبای رحمن در مکتوب خویش ذکر وله و انجذاب آنجناب را نموده بود از این ذکر روح و ریحان حاصل گشت قسم بجمال قدم و ظهور اعظم بروحی و ذاتی احبائه المنجذبین که چون ذکر دوستان الهی از لسان جاری شود یا قلم باسمشان رقم زند چنان حالتی دست دهد که خامه و نامه بوجد و طرب آید و مداد فریاد کند روحی لهم الفدا

ای ناظر الی الله جمال قدم فضل و موهبتی فرموده که قلوب صافیه بروابط قویه مرتبط گشته و ارواح چون جنود مجنده مبعوث شده احساسات وجدانیه بدرجه‌‌‌‌‌ئی رسیده که قلوب حکم یک قلب یافته و نفوس حکم یک نفس تو بشکرانه این عنایات زبان بستایش آنجوهر الجواهر بگشا تا امواج بحر لأن شکرتم لأزیدنکم را مشاهده فرمائی (ع ع)